

# پژوهشی در سرچشمه‌های فکری چکامه‌ها و سوگنامه‌های سعدی

دکتر وحید سبزیان پور  
دانشیار دانشگاه رازی  
مریم بهرامی

هسته اولیه این اثر، پایان‌نامه مریم بهرامی کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی به راهنمایی دکتر وحید سبزیان پور بوده که به شکل کنونی درآمده است.

انتشارات پژوهش

۱۳۹۴

سرشناسه: سبزیان پور، وحید، ۱۳۳۷ -  
 عنوان و نام پدیدآورنده: پژوهشی در سرچشمه‌های فکری چکامه‌ها و سوغنامه‌های  
 سعدی / نویسندگان وحید سبزیان پور، مریم بهرامی.  
 مشخصات نشر: تهران: یار دانش، ۱۳۹۴  
 مشخصات ظاهری: ۵۹۱ ص.  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۶۲-۱۴-۹  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا  
 یادداشت: کتابخانه: ص. [۵۷۲] - ۵۹۱.  
 موضوع: سعدی، مصلح بن عبدالله، ۹۶۹۱ ق -- نقد و تفسیر؛ شعر فارسی -- قرن ۷  
 ق. -- تاریخ و نقد؛ شعر فارسی -- تأثیر عربی؛ ادبیات فارسی -- تأثیر اسلام  
 شناسه افزوده: بهرامی، مریم، ۱۳۶۴ -  
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ب۴ ۲۳/۱۵ PIR5۲۱۵  
 رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۳۱  
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۹۵۱۹۴

استدات پاداش

۱۳۹۴

- عنوان: ..... پژوهشی در سرچشمه‌های فکری چکامه‌ها و سوغنامه‌های سعدی
- تألیف: ..... دکتر وحید سبزیان پور، مریم بهرامی
- نوبت چاپ: ..... اول، ۱۳۹۴
- شابک: ..... ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۶۲-۱۴-۹
- ناشر: ..... یار دانش
- شمارگان: ..... ۱۰۰ نسخه
- قیمت: ..... ۱۵۰۰۰ تومان

پاسداران، ساقدوش، بوستان نهم، پلاک ۳۷، زنگ یک غربی

تلفن: ۰۹۳۹۴۴۵۱۲۳۳-۲۲۷۷۸۹۹۵

## فهرست مطالب

| صفحه    | عنوان                                                 |
|---------|-------------------------------------------------------|
| ۱.....  | پیشگفتار.....                                         |
| ۳.....  | ادبیات تطبیقی.....                                    |
| ۵.....  | سعدی.....                                             |
| ۶.....  | آثار سعدی.....                                        |
| ۷.....  | سعدی و مظاهر فرهنگ و ادب اسلامی.....                  |
| ۷.....  | سعدی و تأثیرپذیری از قرآن کریم و احادیث.....          |
| ۸.....  | الف. اقتباس یا تضمین یا درج آیات و احادیث.....        |
| ۹.....  | ب. به کارگیری آیات و احادیث به شیوه حلّ.....          |
| ۱۰..... | ج. رویکرد آیات و احادیث به شیوه تفسیری.....           |
| ۱۱..... | سعدی و احاطه بر فرهنگ و ادب عربی.....                 |
| ۱۴..... | سعدی و حسینیعلی محفوظ.....                            |
| ۱۵..... | سعدی و میراث ایرانی.....                              |
| ۱۶..... | سعدی و شعر متنبی.....                                 |
| ۲۰..... | قصاید سعدی.....                                       |
| ۲۱..... | مضامین قصاید سعدی.....                                |
| ۲۴..... | تأثیر قرآن کریم.....                                  |
| ۲۴..... | تأثیر حدیث و سخنان علی علیه السلام بر قصاید سعدی..... |

|          |                                     |
|----------|-------------------------------------|
| ۲۶.....  | تأثیر اشعار عربی در قصاید سعدی..... |
| ۲۷.....  | تأثیر امثال عربی.....               |
| ۲۸.....  | فرهنگ ایرانی در قصاید سعدی.....     |
| ۳۱.....  | چکامه‌ها.....                       |
| ۱۳۱..... | سوگنامه‌ها.....                     |
| ۱۴۵..... | توضیحات.....                        |
| ۵۰۳..... | فهرست‌ها.....                       |
| ۵۰۵..... | فهرست آیات.....                     |
| ۵۰۹..... | فهرست احادیث و روایات.....          |
| ۵۱۵..... | فهرست ابیات عربی.....               |
| ۵۳۲..... | فهرست ابیات فارسی.....              |
| ۵۴۵..... | فهرست امثال و حکم عربی.....         |
| ۵۵۱..... | فهرست امثال و حکم فارسی.....        |
| ۵۵۳..... | فهرست حکمت‌های ایرانی.....          |
| ۵۶۱..... | منابع و مآخذ.....                   |

## پیشگفتار

خداوندگار مُلک سخن، شیخ اجل، سعدی شیرازی، یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین ارکان فرهنگ و ادب گران‌سنگ فارسی است که علاوه بر پاسداشت این فرهنگ، در حفظ و غنای آن سهم شایان توجهی دارد.

چکامه‌ها و سوگنامه‌های مصلح‌الدین سعدی شیرازی، به مثابه گنجینه سترگ و ارزشمند فرهنگ و ادب پارسی، خود آمیزه‌ای از تجارب، دیده‌ها و جهان بینی‌های این پیرِ دوران دیده است. ایات شیوا، پرمغز و مزین به آیات و احادیث در اشعار فارسی و عربی وی، چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌نماید. سعدی، نماینده هویت ملی و فرهنگی ایرانی - اسلامی است و همین امر به اشعار وی جایگاه ویژه‌ای بخشیده و نامش را در میان ادب فارسی جاودان نموده است. پندهای سعدی هر چند با زبانی ساده و جملاتی کوتاه عرضه می‌شود، اما دربردارنده مفاهیم و ارزش‌های والای بشری و در ارتباطی ناگسستنی با مردم و زندگی روزمره است و همین امر روح جاودانگی را در اشعارش دمیده؛ به گونه‌ای که امروز نیز سخنانش تازه است و گرد روزگاران، کلامش را بی‌رونق نساخته است.

سعدی در عصر استیلای مغول، نقش مهمی را به عنوان حلقه فرهنگی دو ملت ایران و عرب ایفا نمود. وی که از چشمه‌های زلال حکمت اسلامی - ایرانی سرشار بود، در اثر آموزش در نظامیه بغداد، سفرهای متعدد و طولانی، شرکت در مراسم و عظ و مناظره و خطابه‌های حکیمان و استادان بزرگ، با نبوغ سرشار خود توانست ضمن رشد و غنی‌سازی فرهنگ عربی با غیرعربی، بر عمق و غنای اشعارش بیفزاید و آثاری ماندگار خلق کند.

با تأملی ژرف در قصاید سعدی می‌توان به وجود ردپایی از شاعران پیشین و همچنین تأثیرپذیری مضمونی و محتوایی او از فرهنگ و شعر (فارسی و عربی) پی برد. بهره‌گیری از گنجینه‌های ادبی ایرانی، اسلامی و عربی شاخصه بارز اشعار اوست تا آنجا که میان این فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها ارتباطی

محکم برقرار نموده است. این ابداع و نوآوری او موجب تفاسیر مختلفی از سوی محققان درباره منشأ آثارش گردیده است. تا آنجا که برخی از صاحب‌نظران به سبب این درهم‌تنیدگی فرهنگی و ادبی، او را ریزه‌خوار و دریوزه‌گر بی‌قید و شرط فرهنگ و ادب عربی دانسته و برخی نیز ریشه بسیاری از مفاهیم و اندیشه‌هایش را در رگه‌های طلایی فرهنگ و ادب ایرانی ردیابی نموده‌اند. این اثر حاصل پژوهشی دراز دامن است که نتیجه آن دستیابی به ردپای برخی از این اقوال است. به امید این که این تحقیق راه را برای پژوهش‌های نوین در خصوص تأثیر و تأثر فرهنگ ایرانی در ادبیات عرب و بالعکس هموار سازد.

در اینجا ذکر چند نکته ضروری است:

۱- در این پژوهش از ترجمه آیات قرآن کریم و عبارات نهج البلاغه به دلیل دسترسی همگان و رعایت اختصار خودداری گردیده و از سه علامت اختصاری «ن»، «خ» و «ق» به ترتیب به جای: نامه، خطبه و کلمات قصار نهج البلاغه استفاده نموده‌ایم.

۲- محدوده کار را تنها به قصاید فارسی و مرثیاتی سعدی محدود ساخته‌ایم.

۳- از آنجا که شاهنامه هویت ملّتی چند هزار ساله است، بی‌شک سعدی از شاهنامه بیش از سایر سرمایه‌های ملّی بهره برده است؛ لذا تلاش نموده‌ایم تا به برخی از این اشتراکات اشاره کرده باشیم. ۳- در این پژوهش به مضمون‌های مشترک قصاید سعدی و قابوس‌نامه اشاره کرده‌ایم؛ زیرا به اعتقاد صاحب‌نظران، سعدی به شدت از قابوس‌نامه متأثر بوده است.

۴- از نظر تقسیم مطالب تقریباً الگویی کلی رعایت شده است؛ بدینگونه که ابتدا مضامین مشترک از جمله: آیات قرآن مجید، احادیث پیامبر اکرم (ص) و نهج البلاغه آمده است. در ادامه به امثال و اشعار عربی و فارسی اشاره کرده‌ایم.

۵- در ارجاع برخی مطالب به سبب تفاوت نسخه‌ها، از دو چاپ مختلف برای یک منبع استفاده شده است.

۶. مضامین همسو با کتاب «کلیله و دمنه» را از ترجمه «نصراالله منشی» با تصحیح و توضیح مجتبی مینوی نقل نموده‌ایم.

۷. هر جا که سخن از چکامه می‌آید، مقصود چکامه‌های فارسی سعدی است.

لازم به ذکر است که این پژوهش در دو بخش ذیل سازماندهی و تدوین شده است:

- سیری در زندگی، احوال و افکار سعدی، پس از اشاره به تأثیر فرهنگ و ادب اسلامی، عربی و ایرانی در اشعار سعدی.

- چکامه‌ها و سوغنامه‌های سعدی.

در ادامه به پیروی از شیوه غلامحسین یوسفی در شرح گلستان و بوستان به بیان توضیحاتی مربوط به چکامه‌های سعدی می‌پردازیم. این توضیحات به ترتیب در بردارنده شماره چکامه و بیت است و برای دسترسی آسان، ابیات را در فحوای متن با علامت \* مشخص نموده‌ایم. در بخش توضیحات به مقایسه اشعار سعدی با قرآن و نهج البلاغه و دیگر جلوه‌های فرهنگ و ادب عربی و فارسی در حدّ توان و ضرورت پرداخته است.

### ادبیات تطبیقی

طه ندا که از بنیانگذاران ادبیات تطبیقی در شرق است، مطالعه در ادبیات تطبیقی را به معنای «توصیف فرآیند انتقال از یک ادبیات به ادبیات دیگر می‌داند». (ندا، ۱۳۸۴: ۲۷) ایو شورل (۱۳۸۶: ۲۵) در تعریف ادبیات تطبیقی می‌نویسد: «ادبیات تطبیقی یعنی مطالعه و بررسی مقایسه‌ای آثاری که برخاسته از زمینه‌های فرهنگی متفاوتند». زرین کوب نیز درباره ادبیات تطبیقی چنین می‌گوید: «ادب تطبیقی در واقع عبارت از تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل و اقوام مختلف جهان را به عهده دارد و پژوهنده‌ای که به تحقیق در این رشته اشتغال دارد، مثل آن است که در سرحد قلمرو زبان قومی به کمین می‌نشیند تا تمام مبادلات و معاملات فکری و ادبی را که از آن سرحد، بین آن قوم و اقوام دیگر روی می‌دهد، تحت نظارت و مراقبت خویش بگیرد». (زرین کوب، ۱۳۷۸، ۱۸۲)

به عبارت دیگر «ادبیات تطبیقی عبارت است از تحقیق در روابط و مناسبات بین ادبیات ملل و اقوام مختلف جهان. در ادبیات مقایسه‌ای آنچه مورد نظر محقق و نقاد است، نفس اثر ادبی نیست، بلکه تحقیق در کیفیت تجلی و انعکاسی است که اثر ادبی یک قوم در ادبیات قوم دیگر پیدا می‌کند؛ یا به عبارت دیگر ادبیات تطبیقی در پی آن است که معلوم کند کدام یک از آثار، تحت تأثیر و نفوذ اثر دیگری به وجود آمده است و حدود تأثیر هر اثر در آثار نویسندگان اقوام دیگر چیست». (ستوده، ۱۳۸۶: ۳۵۹)

در دانشنامه ادب فارسی، تعریف مبسوط و مفصلی از ادبیات تطبیقی بیان شده است: «ادبیات تطبیقی از شاخه‌های نقد ادبی (است) که به سنجش آثار، عناصر، انواع سبک‌ها، دوره‌ها، جنبش‌ها

و چهره‌های ادبی و به طور کلی، مقایسه ادبیات در مفهوم کلی آن در دو یا چند فرهنگ و ادبیات مختلف می‌پردازد. (انوشه، ۱۳۷۶: ۴۱)

غنیمی هلال (۱۳۷۳: ۵۵۶) درباره پیامدها و کارکرد مثبت ادبیات تطبیقی می‌گوید: «ادبای بیدار یک ملت باید آثار ارزشمند دیگران را در خود هضم کرده و آن را در سبکی نو بازسازی و در آفرینشی دیگر به مردم عرضه کند». بنابراین مطالعات تطبیقی و ادبیات ملی با یکدیگر در تعامل هستند؛ اما «تفاوت آن‌ها در این نکته است که پژوهشگر ادبیات تطبیقی، پا را از حوزه ادبیات ملی فراتر می‌گذارد، او در صدد شناخت «دیگری» است. به عبارتی دیگر، ادبیات تطبیقی در هر زمان بر آن است که «خودی» را در آینه «دیگری» ببیند و بشناسد. پژوهشگر ادب تطبیقی «دیگری» را بیگانه نمی‌پندارد و معتقد است هیچ ملتی هویتی خالص و بکر ندارد و هر فرهنگی امتزاجی از سایر فرهنگ‌هاست». (انوشیروانی، ۱۳۸۶: ۳)

این پژوهش بر آن است تا از رهگذر ادبیات تطبیقی و براساس آموزه‌های مکتب فرانسه، یعنی تأثیرپذیری و پیوند تاریخی در ادبیات تطبیقی، به تحلیل و بررسی فرهنگ و ادبیات عربی در چکامه‌های فارسی سعدی و تأثیرپذیری او از ادب عربی بپردازد. براساس آنچه که در مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی مشهور است، ادبیات تطبیقی می‌تواند میزان اصالت و عدم اصالت یا صادرات و واردات یک فرهنگ را مشخص نماید. در چنین فرایندی، فرهنگ ملی می‌تواند ضمن پیدا کردن جایگاه فرهنگی خود و استفاده از دستاوردهای دیگر فرهنگ‌ها، گامی در مسیر آسیب‌شناسی، شناخت و پویایی خویش بردارد و خود را به فرهنگ دیگر ملت‌ها بشناسد. در حقیقت، دو کلیدواژه اساسی این رویکرد، «فرهنگ ملی» و «فرهنگ دیگری» است که در تعامل ادبیات تطبیقی و فرهنگ، شکوفا می‌شوند. (زینی‌وند، ۱۳۹۲: ۵) در حقیقت فایده ادبیات تطبیقی ایجاد توانایی و مهارت در بازشناسی اندیشه و فرهنگ اصیل و بومی از فرهنگ و اندیشه بیگانه است؛ (ندا، ۱۳۸۴: ۲۷) لذا این پژوهش در مواردی اندیشه‌های ایرانی را در لابه‌لای قصاید سعدی و اکاوی نموده و بدین وسیله پیوندهای فرهنگی و ادبی را نمایان می‌سازد.

بنابراین، چارچوب نگارندگان، در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی، براساس مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی است.

## سعدی

شیخ اجل مصلح الدین سعدی شیرازی در حدود سال ۶۰۶ هجری در خاندانی که «همه از عالمان دین» بودند (سعدی، ۱۳۹۲: ۳۸۴) قدم به سپنج‌سرای هستی نهاد. «از کودکی تحت تربیت پدر قرار گرفت و از هدایت و نصیحت او برخوردار گشت؛ ولی دیری نپایید که یتیم شد و ظاهراً از آن تاریخ به بعد، از سوی نیای مادری خود که بنابر بعضی اقوال «مسعود بن مصلح الفارسی» پدر «قطب الدین شیرازی» بوده، مورد تربیت قرار گرفت و مقدمات علوم ادبی و شرعی را در شیراز آموخت». (صفا، ۱۳۵۳: ۵۹۲/۳) طولی نکشید که محیط شیراز گنجایش طبع بلندنظر او را نداشت، («کشور را درهم افتاده چون موی زنگی» یافت) لذا در عنفوان جوانی (در حدود ۶۲۰) برای کسب علم و ادب راهی سرزمین عراق شد. دوران تحصیل خود را در نظامیه و نزد بزرگ‌ترین مشایخ آن روزگار همچون ابوالفرج بن جوزی، شهاب الدین ابوحفص عمر سهروردی (وفات: ۶۳۲) و دیگران (همان: ۵۹۳-۵۹۶)، که همگی در آن شهر گرد هم آمده بودند، با تلقین و تکرار شبانه‌روزی پشت سر نهاد.

بعد از طی این مراحل بود که «در اقصای عالم» به گشت و گذار پرداخت و بنا بر روایتی «چهارده نوبت حج کرده و به غزا و جهاد به طرف روم و هند رفته» (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۲۳) به همین دلیل در این مدت از هر گوشه‌ای بهره‌ای و «از هر خرمنی خوشه‌ای» برگرفت. یکی از القاب وی «شیخ» است که «از آنجا که شهرت سعدی به وعظ و خطابه بیشتر از شعر و ادب بوده است، ملقب به شیخ بوده است». (بدوی، ۱۹۵۲: ۱۶)

از کلماتش پیداست که به تصوّف و عرفان اعتقاد داشته و شاید رسماً هم در سلسله متصوّفه داخل بوده و نیز گفته‌اند محلی که امروزه مقبره اوست، خانقاهش بوده است. (فروغی، ۱۳۶۸: ۱۹) خداوند به وی، ذهن، ذوق و استعدادی سرشار عنایت فرموده بود. او نیز از این نعمت الهی، به خوبی بهره جست و تلقین و تکرار طولانی نیز تأثیری بس عظیم بر شکوفایی استعداد و قریحه‌اش داشت تا آنجا که «دیوانش را نمکدان شعر گفته‌اند». (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۰۲)

«سبک سعدی همه بر پرباری لفظ و نازکی معنی استوار است و علی‌الخصوص شیوه سهل و ممتنع در سخن او به سرحدّ اعجاز می‌رسد. سعدی، معانی لطیف را در سهل‌ترین عبارات بیان می‌کند؛ کلام او از تعقید لفظی و معنوی خالی است و اثر صنعت در آن دیده نمی‌شود. هر چند یکسره از صنایع نیز خالی نیست. معانی او هر چند گاه‌گاه کاملاً عادی است، به هیچ‌وجه مبتذل و

دست فرسوده به نظر نمی‌رسد؛ بلکه همواره لطف ذوق و قدرت تعبیر شاعر در آن جدّ و هزل را به هم می‌آمیزد و رقت معنی با دقت عبارت جمع می‌آید. خلاهای لفظی و معنوی و ارتکاب ضرورات در شعر او اگر هست چنان اندک می‌نماید که هیچ به نظر نمی‌آید و نقل معانی و تضمین ابیات دیگران هر چند در شعر او نمونه‌هایی دارد، لیکن قدرت ابداع و قدرت تصوّر او در آن گونه موارد به قدری بارز و روشن است که غالباً بی‌هیچ تأمل، تفوّق و تقدّم او بر متقدّم و سابق روشن می‌گردد و البته با تجرّی که او در ادب تازی و پارسی دارد، عجب نیست که آثاری از افکار دیگران در شعر و نثر وی انعکاس یافته باشد». (زرّین کوب، ۱۳۷۹: ۱۱۸)

اما بالاتر از همه این‌ها، فصاحت و شیوایی کلام سعدی در سخن به پایه‌ایی است که واقعاً او را سزاوار عنوان سعدی آخرالزمان ساخته و شیرینی و فصاحت بیان را در میان پارسی‌گویان به او ختم نموده است. (صفاء، ۱۳۵۳: ۶۱۱/۳) محمود انوار (۱۳۷۳: ۳۸۹) نیز با لحنی اغراق‌آمیز درباره او می‌گوید: «لَوْ لَا شِعْرُ السَّعْدِيِّ وَأَدَبُهُ لَذَهَبَ نِصْفُ أَدَبِ الشَّرْقِ وَتَلَتْ أَدَبَ الْعَالَمِ». ترجمه: اگر شعر و ادب سعدی نبود نیمی از ادب شرق و یک سوم از ادبیات جهان از بین می‌رفت.

او پس از آن که با اندوخته‌ای گران سنگ از دانش و تجربه، به شیراز بازگشت، تا پایان عمر (در حدود ۶۹۱) در همان شهر ماند.

از آنجا که سعدی شیرازی، یکی از ارکان و بزرگ‌ترین شاعران و متفکران پارسی‌گوی است، لذا از توضیح بیشتر در مورد زندگینامه وی صرف نظر می‌کنیم و خواننده را به منابع دیگری از جمله: «حدیث خوش سعدی» از عبدالحسین زرّین کوب و «ذکر جمیل سعدی»، مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتادمین سالگرد تولّد شیخ اجل سعدی شیرازی در سه جلد، ارجاع می‌دهیم.

### آثار سعدی

کلیّات شیخ اجل مطابق با نسخه‌های چاپی، مشتمل بر بیست و دو کتاب و رساله است. شش رساله که شامل: تقریر دیباچه، مجالس پنجگانه، کتاب نصیحة الملوک، سؤال صاحب دیوان، رساله عقل و عشق و تقریرات ثلاثه (حکایت اباقا، رساله انکیانو، رساله شمس الدین تازیکو) و بخش‌های: گلستان، بوستان، قصاید فارسی و مرثی، قصاید عربی، مسمعات و مثلثات، ترجیعات، طبیات، بدایع، خواتیم، غزلیات قدیم، صاحبیه، مقطعات، رباعیات، مفردات، هزلیات و خبیثات. (فروغی، ۱۳۹۲: ۷۲۹)